

دکتر رابرت ای. پترسون، انسانیت و گناه جلسه ۶، پولس، احیای تصویر خدا افسیان ۲۲:۴-۲۴

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد آموزه‌های انسانیت و گناه است. این جلسه ۶، پولس احیای تصویر در مسیح، افسسیان ۲۲:۴-۲۴ است.

ما به مطالعه خود در مورد انسان‌شناسی، به ویژه تصویر خدا، ادامه می‌دهیم.

به طور خاص، آموزه پولس در مورد احیای تصویر. ما کولسیان ۳:۹ و ۱۰ را مطالعه کردیم و آموختیم که احیای تصویر در رابطه با دانش وجود دارد. اکنون به افسسیان ۲۲:۴ تا ۲۴ می‌رویم که در آن یاد می‌گیریم تصویر شامل احیای تقدس و عدالت است.

شهادت می‌دهم که دیگر مانند، ESV، متن، افسسیان ۴:۱۷ تا ۱۹ است. حال، این را می‌گوییم و در خداوند غیریهودیان در بطالت ذهن خود رفتار نکنید. آنها در عقل خود تاریک هستند و به دلیل جهلی که به دلیل سخت‌دلی در آنها وجود دارد، از حیات خدا بیگانه‌اند.

آنها سنگدل شده‌اند و خود را تسلیم شهوت کرده‌اند، حریصانه به هر نوع ناپاکی دست می‌زنند، اما این راهی نیست که شما مسیح را بیاموزید. پولس خوانندگان خود را نصیحت کرده است که مانند غیرنجات‌یافتگان در گناه زندگی نکنند، آیات ۱۷ تا ۱۹. جالب اینجاست که زمینه‌ای مشابه با کولسیان دارد.

ایماندارانی که پولس برایشان می‌نویسد، وقتی از طریق انجیل درباره مسیح آموختند، به آنها آموخته نشده بود که به شیوه‌ای غیرخدایی زندگی کنند. ۴:۲۰ و ۲۱ افسسیان، اما شما مسیح را به این شیوه نیاموخته‌اید، با این فرض که درباره او شنیده‌اید و در او آموخته‌اید، همانطور که حقیقت در عیسی است. برعکس، به این مسیحیان آموخته شده است که زندگی مقدسی داشته باشند.

پولس در آیات ۲۲ تا ۲۴ از سه مصدر استفاده می‌کند تا اهمیت این زندگی جدید خداپسندانه را که جایگزین شیوه زندگی گناه‌آلود قدیمی می‌شود، آموزش دهد. این مصدرها را می‌توان به عنوان مفعول مستقیم مرکب برای آنچه به شما آموخته شده است، یا به عنوان حقیقت مکمل معرفت‌شناختی در نظر گرفت. و افراد خوب در مورد این دو گزینه اختلاف نظر دارند.

دومی را ترجیح می‌دهم. کولسیان ۳:۹ و ۱۰ و افسسیان، NICNT و بروس در NCB زرویک، میلتنون در ۲۴ تا ۲۴ به خوبی تمایز هرمان ریدربوس بین حالت خبری و امری را نشان می‌دهند. به کتاب ریدربوس با ۴:۲۲ عنوان «پولس، خلاصه‌ای از الهیات او»، صفحات ۲۵۳ تا ۲۵۸، ۲۷۰، ۲۷۱ مراجعه کنید.

همچنین، به فیلیپیان ۲:۱۲ و ۱۳ مراجعه کنید. در متن قبلی، کولسیان ۳، پولس به مؤمنان کولسی می‌گوید که چه اتفاقی برایشان افتاده است. آنها انسانیت کهنه را از تن درآورده‌اند و انسانیت نو را پوشیده‌اند.

در افسسیان ۲۲:۴ تا ۲۴، پولس خوانندگان خود را تشویق می‌کند که انسانیت کهنه را از تن به در کنند و انسانیت نو را بپوشند. این الگویی در تفکر پولس است. او اغلب از آنچه خدا در مسیح برای قوم خود انجام داده است، صحبت می‌کند.

او به اصطلاح با ضمیر اخباری صحبت می‌کند. در زمینه‌ای دیگر، او قوم خدا را به انجام همان کارهایی که قبلاً گفته است که خدا برای آنها انجام داده است، تشویق می‌کند. این همان امر و نهی است.

هیچ تناقضی در اینجا وجود ندارد. این روش مؤثر پولس برای تعلیم این است که زندگی مسیحی بر اساس کار نجات‌بخش خداوند است. این نصایح بر پایه‌ی اخباری هستند.

و دوم، قوم خدا به طور فعال در زندگی مسیحی مشارکت دارند. زندگی مسیحی فقط شادی کردن در نجات ما نیست، این نکته‌ی خبری است. این شامل امر و نهی نیز می‌شود.

این شامل زندگی برای خدا بر اساس شادی ما در فیض و نجات اوست. نجات رایگان خدا از آن ما می‌شود. و ما آن را در نور تجربه می‌کنیم، با زندگی در پرتو آنچه خدا برای آنها انجام داده است.

افسسیان ۴، ۲۲، ۲۰. این روشی نیست که شما مسیح را بیاموزید، با این فرض که درباره او شنیده‌اید و در او تعلیم گرفته‌اید، همانطور که حقیقت در عیسی است. یعنی، ۴:۲۳، ق، ۲۲

برای اینکه مطابق رفتار سابق، انسانیت کهنه را که مطابق هوس‌های فریب فاسد شده است، از خود دور کنید. و برای اینکه دوباره تازه شوید، این ایده دوباره در روح ذهن شما وجود دارد. و برای اینکه انسانیت جدید را که مطابق گفته خدا در عدالت و تقدس حقیقت آفریده شده است، بپوشید.

،خیلی تحت‌اللفظی. در افسسیان ۴:۲۲، پولس به خوانندگانش می‌گوید، شما دوباره لباس از تن درمی‌آورید، مطابق شیوه زندگی پیشین خود، یعنی آن انسان کهن. این یعنی فاسد شدن مطابق با امیال فریبنده‌تان.

آنها طعمی را به عنوان یک مفعول کیفی، به اصطلاح مفعول عبری، به خود می‌گیرند. به خوانندگان گفته می‌شود که خود را از سبک زندگی گناه‌آلود پیش از مسیحیت خود با خواسته‌های فریبنده‌اش خلاص کنند. پولس همچنین به ما می‌آموزد که در نگرش ذهن خود تجدید نظر کنیم.

در آیه ۲۳، پولس خواستار تجدید نگرش ذهنی آنها می‌شود. مصدر حال حاضر، دیگران وارث هستند، را می‌توان به عنوان نشانه‌ای از عمل مترقی تفسیر کرد. بنابراین، اف. اف. بروس در تفسیر خود بر افسسیان

آنها باید دائماً در افکارشان تازه شوند. سومین مصدر در آیه ۲۴ یافت می‌شود. آنها باید انسان جدید را که طبق گفته خدا در عدالت و تقدس حقیقی آفریده شده است، بپوشند.

یکی دیگر از حالت‌های ملکی کیفی است. بنابراین به جای پارسایی و تقدس حقیقت، آن را به Aletheos. صفت تبدیل کنید. پارسایی و تقدس حقیقی.

این از خلقت روحانی جدید در مسیح عیسی سخن می‌گوید. افسسیان ۲:۱۰، ۲:۱۵، کولسیان ۳:۱۰، دوم قرنتیان ۵:۱۷، غلاطیان ۶:۱۵ را مقایسه کنید. این مضمون خلقت جدید همه جا دیده می‌شود. افسسیان ۲:۱۰، شما به فیض و از طریق ایمان نجات یافته‌اید، ۲:۱۰.

آن نجات از شما نیست، بلکه موهبت خداست. نه بر اساس اعمالی که هیچ‌کس نباید به آنها ببالد. زیرا ما صنعت او هستیم که در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم.

به خلقت اشاره نمی‌کند. به خلقت جدید اشاره دارد. این معنا در مسیح عیسی برای کارهای خوبی که خدا مقدر کرده است، دوباره خلق شده است.

شما باید در آنها گام بردارید. این مضمون خلقت روحانی جدید در کولسیان ۳:۱۰ یافت می‌شود، که ما در دوم قرن‌تیا ۵:۱۷ و غلاطیان ۶:۱۵ به آن پرداختیم. این خلقت جدید، یک مفهوم جمعی است که البته کاربردهای فردی دارد.

مراقب تمایل به خواندن کتاب مقدس از دریچه عینک آمریکایی به شیوه‌ای فردگرایانه باشید. این کتاب، قبل از هر چیز، کتابی جمعی است. در عهد عتیق به اسرائیل و در عهد جدید به کلیسا می‌پردازد.

در درجه دوم و البته به طور خالصانه، با ما به عنوان افراد صحبت می‌کند. من کلمات را می‌فهمم. انسان جدیدی که آفریده شده است.

بسیار شبیه به انسان جدید مطابق با تصویر کسی که او را در کولسیان ۳:۱۰ خلق کرده است. اگرچه به طور خاص در افسسیان ۴:۲۴ به تصویر خدا اشاره نشده است، اما من به دلایل زیر این آیه را در مورد این مفهوم (katizo) «درک می‌کنم. یکی از آنها تشابه نزدیک با کولسیان ۳:۱۰ است. دوم، استفاده از «من خلق می‌کنم که تقریباً به (conformed by God)» در هر دو متن برای اشاره به خلقت جدید. عبارت «مطابق با خدا» معنای مطابق با تصویر خداست.

به شباهت‌های بین پیدایش ۱:۲۷ در ترجمه سپتواجینت و کولسیان ۳:۱۰ در افسسیان ۴:۲۴ توجه کنید. سی. ال. میتون موافق است که کتاب مقدس قرن جدید تفسیر او بر افسسیان است. میتون موافق است نقل قول، که عبارت اینجا در افسسیان با عبارت کولسیان ۳:۱۰ متفاوت است. اما واضح است که منظور همان است، نقل قول نزدیک. بروس اضافه می‌کند، نقل قول، عبارت مطابق با خدا به معنای به صورت خدا است.

بنابراین من افسسیان ۴:۲۴ و کولسیان ۳:۱۰ را در مورد یک موضوع درک می‌کنم. بازآفرینی انسان‌ها در مسیح عیسی مطابق با تصویر اولیه خدا در بشریت. در افسسیان ۴:۲۴ می‌آموزیم که انسان جدید مطابق با خدا در عدالت و تقدس حقیقی آفریده شده است.

از آنجا که احیای انسان که در مسیح با خدا هماهنگ است، شامل پارسایی و تقدس حقیقی می‌شود، تصویر نیز باید شامل همین موارد بوده باشد. در اینجا ما از جنبه اخلاقی تصویر (the imageo Dei) اولیه خدا. اولیه خدا در انسان مطلع می‌شویم. آدم آفریده شد و حوا در پایی اولیه مانند خدا بود.

این با سفر پیدایش مطابقت دارد، که در آن آدم و حوا قبل از سقوط در رفاقت با خدا زندگی می‌کردند. فقط موجودات مقدس می‌توانستند در رفاقت با خدای مقدس زندگی کنند. ما واقعیت خلقت انسان به صورت خدا را در پیدایش ۱ دیده‌ایم. ما آموزه پولس در مورد بازآفرینی صورت خدا در مؤمنان به واسطه اتحاد با مسیح را مطالعه کردیم.

در کولسیان ۳:۹ و ۱۰، می‌بینیم که ذهن ما معطوف به اطاعت و خدمت به خداست. این را در افسسیان می‌بینیم که در آن تجدید تصویر به معنای تجدید در عدالت و تقدس است. بار دیگر، استدلال این ۲۴-۲۲:۴ است.

تجدید تصویر شامل پارسایی و تقدس است. بنابراین، تصویر اصلی باید شامل همین موارد بوده باشد. برای خلاصه کردن با توجه به الهیات تاریخی و همچنین هدایت به سمت سیستماتیک بودن، این تجدید در دانش و پارسایی و تقدس، جنبه‌هایی از دیدگاه اساسی یا ساختاری تصویر هستند.

آدم و حوا با این ساختار از خالق خود به وجود آمدند. آنها موجودات مقدسی بودند که با خدای مقدس در ارتباط بودند. و خدا به آنها دانش و توانایی تفکر عطا کرده بود تا بتوانند سخنان او را بفهمند، از او اطاعت کنند و او را دوست داشته باشند و اراده او را انجام دهند و در تمام طول عمر خود به او خدمت کنند.

عنوان سوم، حقیقت تصویر در پیدایش ۱، آموزه پولس در مورد احیای تصویر در مسیح است. سومین عنوان، آموزه پولس در مورد مسیح به عنوان تصویر خدا است. این موضوع در مباحث مربوط به تصویر خدا بسیار مورد غفلت قرار گرفته است و نباید هم چنین باشد.

در واقع باید تأکید کرد. پولس در رساله‌های خود تعلیم می‌دهد که مسیح تصویر خداست. در دوم قرنتیان پولس به این واقعیت می‌پردازد که برخی به موعظه رسولان ایمان می‌آورند و برخی دیگر آن را رد می‌کنند، ۴:۴.

دوم قرنتیان ۴:۴. مخالفان او، و خب، آنها مطمئناً در مکاتبات قرنتیان مشهود هستند. مخالفان او می‌گویند پولس، تو دروغگو هستی، تو یک فرقه‌گرا هستی، تو یک پیامبر دروغین هستی. تو ادعا می‌کنی که این انجیل بسیار درخشان است، و مردم آن را باور نمی‌کنند.

همه به طور خودکار به این پیام درباره عیسی ایمان نمی‌آورند. شما در تاریکی هستید، پیام شما نادرست است. شما یک متقلب هستید. پولس بیچاره باید در نامه‌های قرنتیان از خودش دفاع کند تا از انجیل دفاع کند.

و او این کار را انجام می‌دهد. او ضربه‌ها را به جان می‌خورد، اما نمی‌گذارد انجیل به لجن کشیده شود: انجیل و مسیح.

دوم قرنتیان ۴: ۱-۶ توجه ما را جلب می‌کند. بنابراین، توجه به این خدمت در متن به این معنی است که این خدمت، خدمت عهد جدید است. موعظه انجیل، که باشکوه‌تر از خدمت عهد عتیق است.

با پایین آمدن موسی از کوه سینا و چهره‌ای چنان درخشان از جلال خدا، او مجبور شد نقابی بر چهره بگذارد. مردم نمی‌توانستند آن را تحمل کنند. در مقایسه با جلال عهد جدید در مسیح، آن جلال در چهره موسی، که به گفته پولس، بسیار چشمگیر بود، هیچ جلالی محسوب نمی‌شد.

این یکی از آن مقایسه‌های به اصطلاح شرقی است. بله، جلال وجود داشت. اما جلال عهد جدید بسیار بزرگتر است.

این جلال را تحت الشعاع قرار می‌دهد. بنابراین، دوم قرنتیان ۴: ۱، بنابراین، با داشتن این خدمت عهد جدید به رحمت خدا، دلسرد نمی‌شویم. بلکه برخلاف آنچه مخالفانش می‌گویند، از راه‌های ننگین و فریبکارانه دست کشیده‌ایم.

ما برخلاف آنچه دشمنان خدا می‌گویند، از حيله‌گری یا دستکاری کلام خدا خودداری می‌کنیم. اما با بیان آشکار حقیقت، خود را در نظر خدا در وجدان همه جا حاضر می‌دانیم. و حتی اگر انجیل ما پوشیده باشد، او اعتراف می‌کند که پوشیده است. این انجیل برای کسانی که در حال هلاکت هستند، پوشیده است.

در مورد آنها، خدای این جهان، که اشاره به شیطان است، ذهن کافران را کور کرده است تا آنها را از دیدن نور انجیل جلال مسیح، که تصویر خداست، باز دارد. زیرا آنچه ما اعلام می‌کنیم خودمان نیستیم، بلکه عیسی مسیح به عنوان خداوند است، و خودمان به عنوان بندگان شما به خاطر عیسی. خدایی که گفت: «نور از تاریکی بتابد»، در قلب‌های ما نشان داده است که نور شناخت جلال خدا را در چهره عیسی مسیح بتابانیم.

در این متن، پولس به این واقعیت می‌پردازد که برخی به موعظه رسولی ایمان می‌آورند و برخی دیگر آن را رد می‌کنند. او از نور جلال مسیح، که تصویر خداست، سخن می‌گوید که در اعلام کلام بر گناهکاران می‌درخشد. این مسیح جلال‌یافته است که موضوع انجیل است.

خداوند، خالق، با روشن کردن گناهکاران از طریق پیام نجات‌بخش، آنها را از نو می‌آفریند. مسیح در این متن تصویر خداست، زیرا وقتی انجیل موعظه می‌شود، جلال خدا را منعکس می‌کند. آه، این متن بسیار شگفت‌انگیز است.

وقت ندارم حق مطلب را ادا کنم. این آیه از وضعیت اسفناک افراد نجات نیافته سخن می‌گوید. شیطان که از ما باهوش‌تر و قوی‌تر است، ذهن کافران را کور کرده است و عبارت «هدف» دلیل آن را نشان می‌دهد. جلوگیری از ایمان آوردن آنها به انجیل.

تا آنها را از دیدن نور انجیل و جلال مسیح که تصویر خداست، باز دارد. اما خدایی که در پیدایش ۱ گفت، بگذارید نور از تاریکی بدرخشد، و چنین نیز شد، با قدرت و با عمل قدرتمند روح القدس، نور خود را در قلب قومش تابانده است، هنگامی که انجیل را می‌شنوند، و او مرد قوی، شیطان، را شکست می‌دهد و کسانی را که در بند او هستند آزاد می‌کند. او بر کوری شیطان غلبه می‌کند و به خدایی که در وهله اول نور را آفرید، عطا می‌کند تا به کسانی که در تاریکی گناه و کوری شیطانی هستند، نور معنوی ماوراء طبیعی بدهد و آنها را با روشنائی الهی نجات دهد.

این زبان تجدید حیات نیست. این تصویر غلبه‌ی نور بر تاریکی است. این رستگاری به مثابه‌ی روشنائی الهی و مؤثر است.

و همه اینها به انجیل مربوط می‌شود، که به جلال مسیح، که تصویر خداست، مربوط می‌شود. مسیح تصویر خداست، زیرا وقتی انجیل موعظه می‌شود، جلال خدا را منعکس می‌کند. این در واقع پیامدهای مهمی برای موعظه انجیل دارد.

انجیل درباره عیسی است. بله، ما می‌توانیم شهادت خود را بدهیم، و این مناسب است. انجام این کار طبق کتاب مقدس است.

اما انجیلی که خدا از آن استفاده می‌کند، یعنی کلام خدا برای نجات، کلامی درباره عیسی است. و خدا این کلام را به طور ماوراءالطبیعه می‌گیرد و پسر جلال‌یافته‌اش را که برای گناهکاران مُرد و در روز سوم دوباره زنده شد جلال می‌دهد. او در زندگی مردم کار نجات‌بخش انجام می‌دهد. این به ما اطمینان می‌دهد که انجیل را به اشتراک بگذاریم، زیرا انجام این کار ما، مسیح را جلال می‌دهد.

و همانطور که خدا کار می‌کند، هدف ما این است که ستایشگران بیشتری از مسیح به پادشاهی بپیوندند و در پرستش این خداوند بزرگ عیسی به ما بپیوندند. در کولسیان ۱:۱۵، مسیح صورت خدا نامیده شده است. کولسیان ۱. او صورت خدای نادیده است، نخست‌زاده‌ی تمام آفرینش.

زیرا به وسیله او همه چیز در آسمان و زمین، دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها، چه تخت‌ها، چه سلطنت‌ها، چه فرمانروایان و چه اولیای امور، آفریده شد. همه چیز به وسیله او و برای او آفریده شد. و او قبل از همه چیز است و همه چیز در او به هم پیوند دارد. و او سر بدن، یعنی کلیسا، است.

او آغاز است، نخست‌زاده از مردگان، تا در هر آنچه که ممکن است داشته باشد، برتر باشد. زیرا خشنود بود زیرا که تمامی کمال خدا در او ساکن بود. و به وسیله او همه چیز را، چه در زمین و چه در آسمان، با خود آشتی دهد، و با خون صلیب او صلح را برقرار کرد.

این یک زمینه خارق‌العاده است که نشان می‌دهد مسیح در همه چیز بر خلقت برتری دارد، زیرا او نماینده خدا در خلقت بود. و او کار مشیت الهی را در حفظ آن خلقت انجام می‌دهد. و آن خلقت نه تنها توسط او، بلکه برای او ساخته شده است.

او وارث است. او در نهایت همه چیز را دریافت خواهد کرد. بنابراین، او پروردگار آفرینش است و از این رو در آن حوزه برتر است.

او همچنین در بازآفرینی، که از بدن او، یعنی کلیسا، سخن می‌گوید، خداوند است. در کولسیان ۱:۱۵، در زمینه خلقت، پولس مسیح را صورت خدای نادیده می‌نامد. منظور او این است که عیسی مجسم، پسر خدا، پسر ابدی مجسم، که به عنوان عیسی شناخته می‌شود، مظهر قابل مشاهده خدای نامرئی است.

عیسی خدای مجسم است. خدای نادیده در مسیح عیسی آشکار شده است. فیلیپ، چرا می‌گویی پدر را به ما نشان بده، یوحنا ۱۴؟ آیا نمی‌فهمی؟ من در پدر هستم و پدر در من است.

وقتی عیسی را می‌بینید، پدر را می‌بینید. او تصویر خداست. من قصد نداشتم از تصاویر تنیس استفاده کنم، اما این یکی دیگر است.

در طول دوره دکترایم، همسر به عنوان یک پیشخدمت مهربان در یک رستوران دوستانه کار می‌کرد. در واقع او آنقدر مهربان است که به دردمس افتاد. اگر همسر، مری پت، را می‌شناختید، متوجه می‌شدید و به این می‌خندیدید که او در این زمینه کار می‌کرد... او به من کمک کرد تا تحصیلات دکتر را در دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه درو در مدیسون، نیوجرسی، در رشته الهیات تاریخی بگذرانم.

او به عنوان یک پیشخدمت مهربان کار می‌کرد و حتی نمی‌دانست چیزی به نام جایزه یک دلاری نقره‌ای وجود دارد، اما یک مقام بالاتر مخفیانه از فروشگاه‌های مختلف بازدید می‌کرد و اگر خدمات غیرمعمولی می‌دید جایزه یک دلاری نقره‌ای می‌داد. حتی همیشه هم جایزه داده نمی‌شد، اما می‌دانید داستان از چه قرار است. او جایزه را برد، و کمتر از یک سال بود که آنجا کار می‌کرد و افراد دیگری که مدت زیادی آنجا کار می‌کردند، این جایزه را دریافت نکرده بودند و خیلی خوشحال نبودند، اما از طرف دیگر، کل شخصیت همسر، نمی‌توانستند از او عصبانی باشند.

در هر صورت، او با مرد جوانی به نام رندی کار می‌کرد که بازیکن تنیس بود. من هنوز آنقدر از بازی تنیس دور نشده بودم که بتوانم او را شکست دهم، و به همین دلیل، او می‌خواست با من بازی کند. او یک یهودی اسمی بود و من موافقت کردم که با او تنیس بزنم و حتی کمی در ضرباتش به او کمک کنم و به او استراتژی‌هایی یاد بدهم، البته اگر انجیل مرقس را با من بخواند. این کاری بود که ما انجام دادیم و دوست دارم به شما بگویم که او به طرز شگفت‌انگیزی نجات یافت، اما من نمی‌توانم، اما یک روز روح القدس کار کرد و او آن را دریافت کرد.

یادم نیست سر کدام فصل بودیم، چهار یا پنج یا چیزی حدود کتاب مارک و یک فصل از وقتمان را صرف مطالعه کردیم. مثلاً ساعت‌ها درس نخواندیم، اما متن را می‌خواندیم و دربارهاش صحبت می‌کردیم، و بعد می‌رفتیم تنیس بازی می‌کردیم، و تا وقتی که او را شکست می‌دادم، او به هر حال به انجام این کار علاقه‌مند بود. خیلی خوش می‌گذشت و آدم خوبی بود.

ما در واقع دوستی خوبی آنجا داشتیم که ریشه در تماس همسر ما با او در آن رستوران دوستانه داشت. یک روز داشتیم این کار را انجام می‌دادیم و من داشتم صحبت می‌کردم که او گفت، یک دقیقه صبر کن، گفت، یک دقیقه صبر کن، فکر کنم فهمیدم. گفتم، چی فهمیدی؟ چون ما داشتیم نوشته‌های مارک را می‌خواندیم.

او می‌گوید فکر می‌کنم فهمیدم. اگر می‌خواهیم ببینیم اگر خدا صحبت کند چه می‌گوید، باید ببینیم عیسی چه می‌گوید. من اینطور فکر می‌کنم، و اگر می‌خواهیم ببینیم اگر خدا در این دنیا عمل کند چه می‌کند، باید کاری را کرد. که عیسی انجام داد، انجام دهیم، ببینیم عیسی چه کرد.

گفتم، هلولویاه، هلولویاه. از این بابت هیجان‌زده بودم چون او بصیرتی داشت و به نظر من خداوند این بصیرت را به او داده بود. نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد.

بعد از مدتی، فکر کنم کم‌کم رابطه‌مان کم‌رنگ شد. حتی فراموش کرده بودم. اینکه با او دوست بودم و تنیس بازی می‌کردم، نعمتی بود.

پسر، برای من هیجان‌انگیز بود که ببینم خداوند در زندگی او کار می‌کند و او را، حداقل تا حدی، به حقیقت روشن می‌کند. امیدوارم که او واقعاً خداوند را شناخته باشد. کولسیان ۱:۱۵ مسیح را تصویر، شمایل خدای نادیده می‌نامد.

کلمات بعدی، نخست‌زاده‌ی تمام آفرینش، به معنای والاترین، برتر از کل آفرینش است، زیرا، یا برای اینکه حرف ربط است، همه چیز توسط او آفریده شده است. عیسی سزاوار مقام اول در آفرینش است زیرا او نماینده‌ی پدر در آفرینش بود. البته این کاربرد نخست‌زاده از جاهایی مانند اینکه یعقوب فرزند دوم بود اما به عنوان نخست‌زاده تبدیل شد و از حقوق ارشدیت برخوردار شد، زیرا او جانشین عیسو شد، و مزمور ۸۹ که در مورد مسیح صحبت می‌کند، می‌گوید: من او را نخست‌زاده‌ی خود قرار دادم، والاترین پادشاهان زمین.

بنابراین، در دوم قرن‌تین ۴:۴ و کولسیان ۱:۱۵، عیسی تصویر خداست. در دو متن دیگر، پولس صریحاً مسیح را تصویر خدا نمی‌نامد، بلکه منجی را تصویری می‌داند که مؤمنان با آن مطابقت خواهند داشت. در رومیان پولس هدف نجات را جلال یافتن مؤمنان یا به عبارت دیگر، مطابقت با تصویر مسیح معرفی می‌کند، ۸:۲۹.

رومیان ۸:۲۸ یکی از آشناترین آیات در تمام کتاب مقدس است. ما می‌دانیم که برای کسانی که خدا را دوست دارند، همه چیز برای خیریت کسانی که طبق هدف او فراخوانده شده‌اند، با هم در کار است.

کسانی را که از پیش می‌دانست، از پیش نیز مقدر فرمود. کسانی را که از پیش مقدر فرمود، و برخی را در ۲۹ از قلم انداخت، آنها را نیز فراخواند. کسانی را که فراخواند، عادل شمرد.

کسانی را که او عادل شمرد، او همچنین جلال داد. ما می‌دانیم که خدا همه چیز را برای خیریت قوم خود به کار می‌برد، آیه ۲۸ از رومیان ۸ زیرا دو آیه بعدی نشان می‌دهد که خدا برای بزرگترین خیر برای آنها کار کرده است. او نجات آنها را از ابتدا تا انتها برنامه‌ریزی و به انجام رسانده است.

پولس از پنج فعل گذشته و پنج فعل ماضی استفاده می‌کند: خدا قوم خود را از پیش می‌دانست، مقدر کرد، فراخواند، عادل شمرد و جلال داد. شما می‌گویید، یک لحظه صبر کنید، جلال یافتن در آینده است. همینطور است، اما همان فعل گذشته ساده است.

از این رو، منظور پولس این است که مؤمنان به همان اندازه که جلال یافته‌اند، نیکو نیز هستند. کار خدا علیرغم سرکشی، گناهان و مبارزات قومش، بی‌نتیجه نخواهد ماند. او آنها را برای نجات نهایی حفظ خواهد کرد.

از طریق توازن کتاب مقدس، باید بگوییم کسانی که قوم خدا هستند، به گناهان خود اعتراف می‌کنند، برای خدا زندگی می‌کنند و در فیض رشد می‌کنند. من به دلیل آن پنج فعل، از یک بخش صرف نظر کردم. کسانی که، خدا از پیش آنها را می‌شناخت، که من آنها را به معنای محبوب، از پیش تعیین شده، برگزیده برای نجات فراخوانده شده، که به معنای احضار مؤثر به سوی خود از طریق انجیل، توجیه شده، در برابر دادگاه آسمانی الهی خود، بر اساس عدالت مسیح، عادل اعلام شده، و جلال یافته، یعنی جلال مسیح را با آنها به اشتراک خواهد گذاشت.

تنها در مورد دوم است که پولس مطلب را بسط می‌دهد. ما می‌دانیم که برای کسانی که خدا را دوست دارند، همه چیز برای خیریت کسانی که طبق هدف او فراخوانده شده‌اند، با هم کار می‌کند. او کسانی را که از پیش می‌شناخت، از پیش تعیین کرد و در اینجا پولس این را بیشتر توضیح می‌دهد که او کسانی را از پیش تعیین کرد تا به تصویر پسرش تبدیل شوند تا او فرزند ارشد در میان برادران بسیار باشد.

در رومیان ۸:۲۹، پولس هدف رستگاری را به عنوان انطباق ایماندار با تصویر مسیح معرفی می‌کند. مسیح که فرزندان خدا از نظر آخرت‌شناسی با او مطابقت خواهند داشت زیرا، S پسر برتر خداست، با حرف بزرگ خدا ما را به این انطباق و خواهد داشت. او ما را دگرگون خواهد کرد، اول قرن‌تین ۱۵

و به واسطه شباهت خانوادگی به لطف و روح خدا، آنها در B، مسیح برادر بزرگتر ماست، با حرف بزرگ جلال مانند او خواهند بود. بنابراین، از کلمات «تصویر خدا» استفاده نشده است، اما این ایده وجود دارد زیرا کلمه «تصویر» برای تداعی آن ایده کافی است، زیرا از تبدیل شدن ما به تصویر او صحبت می‌کند، همانطور که پسران و دختران خدا به لطف فیض به تصویر او که ذاتاً پسر خداست، تبدیل شدند. در زمینه بازآفرینی، ما این را در این قسمت‌ها دیده‌ایم، اینطور نیست؟ پولس در اول قرن‌تین ۱۵:۴۹ تعلیم می‌دهد که مؤمنان تصویر مسیح، آدم دوم، را در جاودانگی نیز خواهند داشت، همانطور که تصویر آدم را در مرگ نیز به خود گرفته‌اند.

اول قرن‌تین ۱۵ با آیه ۴۵ شروع می‌شود. اولین انسان، آدم، به یک موجود زنده تبدیل شد. ما این را در اولین سخنرانی خود در این دوره دیدیم. آدم آخر به یک روح حیات‌بخش تبدیل شد.

آیا این انکار رستاخیز جسمانی عیسی است؟ آیا انکار رستاخیز جسمانی عیسی در فصل رستاخیز است؟ نه، البته که نه. منظور این است که عیسی چنان با روح القدس یکی دانسته شده است که از نظر اقتصادی می‌توان او را روح القدس نامید. اما این روح نیست که اول آمد، بلکه روح طبیعی و سپس روح

اولین انسان، آدم، که نامش به معنی غبارآلود است، چیزی شبیه به این، از زمین بود. مردی از خاک. انسان دوم از آسمان است.

این منشأ اوست. او پسری الهی است که از آسمان به زمین آمده است. در تجسم، همانطور که انسان از خاک بود، کسانی که از خاک هستند نیز چنین هستند.

اگر قبل از بازگشت عیسی بمیریم، خواهیم مرد و به خاک باز خواهیم گشت. و همانطور که انسان آسمانی است، آسمانیان نیز چنین هستند. همانطور که ما تصویر انسان خاکی، آدم، را به خود گرفته‌ایم، تصویر انسان آسمانی، خداوند عیسی مسیح، را نیز به خود خواهیم گرفت.

ما مانند او ساخته خواهیم شد. خدا ما را به شباهت مسیح در خواهد آورد. در زمینه بازآفرینی، در اول قرن‌تین ۱۵:۴۹، پولس تعلیم می‌دهد که مؤمنان، همانطور که در مرگ، مرگ و گناه، تصویر آدم را داشته‌اند، در جاودانگی، زندگی و رستاخیز نیز تصویر مسیح، آدم دوم، را خواهند داشت.

در اینجا، هدف نجات ما، همنوایی با بدن جلال یافته مسیح است. این چهار بخش چه کمکی به مطالعه ما در مورد تصویر خدا در انسان می‌کنند؟ کدام بخش‌ها در رساله پولس از مسیح به عنوان تصویر خدا صحبت می‌کنند؟ این چگونه به ما کمک می‌کند تا این ایده انسان‌شناختی را که انسان‌ها به تصویر خدا آفریده شده‌اند درک کنیم؟ دوم قرن‌تین ۴:۴ و کولسیان ۱:۱۵، دو بخش اولی که مطالعه کردیم، تعلیم می‌دهند که خداوند عیسی تصویر خداست. او جلال خدا را در موعظه انجیل به تصویر می‌کشد، دوم قرن‌تین ۴. او در تجسم خود، خدای نامرئی را آشکار می‌کند، کولسیان ۱:۱۵.

آدم و حوا به صورت خدا آفریده شدند. عیسی مسیح به عنوان یک انسان، صورت خداست. مسیح مجسم نمونه‌ای قابل مشاهده از آنچه انسان باید باشد، می‌باشد.

او به طور کامل، با تغییر تصویر از اسم به فعل، خدا را در جسم انسانی به طور کامل منعکس می‌کند. این بدان معناست که ما باید در مورد زندگی عیسی در انجیل‌ها بخوانیم تا درباره تصویر خدا بیشتر بدانیم. دو متن دیگر پولس که مسیح را به عنوان تصویر معرفی می‌کنند، رومیان ۸:۲۹ و اول قرن‌تین ۱۵:۴۹، سهم بیشتری در مطالعه ما در مورد تصویر خدا در بشر دارند.

در اینجا، مسیح هدف آخرالزمانی است که مردان و زنان رستگار شده با آن مطابقت خواهند داشت. فرزندان خدا جلال پسر نخست‌زاده را به اشتراک خواهند گذاشت، رومیان ۸:۲۹. حاملان تصویر آدم، حاملان تصویر آدم دوم و آخر خواهند بود، زمانی که با جاودانگی پوشیده شوند.

اول قرن‌تین ۱۵:۴۹. بنابراین، عیسی مسیح هم الگو (دوم قرن‌تین ۴، کولسیان ۱) و هم هدف آخرالزمانی (رومیان ۸، اول قرن‌تین ۱۵) (از تصویر خدا در انسان‌ها است. در سخنرانی بعدی، با نگاهی به آثار استاد بازنشسته رابرت سی. نیومن، مطالعه تصویر خدا را ادامه خواهیم داد.

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد آموزه‌های انسانیت و گناه است. این جلسه ۶، احیای تصویر پولس در مسیح، افسسیان ۴:۲۲-۴:۲۴ است.